

فرهنگستانهای جهان



• فرهنگستانهای جهان

فرهنگستان فرانسه*

ع. روح بخشان

فرهنگستان فرانسه نخستین مؤسسه از نوع خود در تاریخ جهان نیست، اما استوارترین و نامدارترین فرهنگستان جهان است و سرمشق تأسیس و تشکیل بسیاری از فرهنگستانهای دیگر قرار گرفته است. آنچه در زیر می آید فشرده ای است از مطالب مندرج در اسناد فرهنگستان فرانسه که دبیرخانه آن از راه لطف برای نشر دانش ارسال داشته است.

تاریخچه

سرمنشأ فرهنگستان فرانسه گردهماییهایی است که از سال ۱۶۲۹ (۱۰۳۹ هـ. ق.) در خانه والانتن کنرار/Valentin Conrart در خیابان سن مارتن پاریس تشکیل می شد. در این محفل نه ادیب که بیشترشان از خانواده های مرفه پاریسی بودند شرکت می کردند. خود والانتن کنرار به خانواده ای پروتستان از شهر والانسین تعلق داشت. پدر بزرگش را در سال ۱۵۶۹ به جرم مشارکت در ویران کردن شمایلهای قدیسان کاتولیک گردن زده بودند و پدرش به پاریس گریخته بود. والانتن کنرار در پاریس زندگی نسبتاً آرامی را می گذراند و بوآلو، شاعر معروف، که با او دشمنی داشت، در شعری «سکوت محتاطانه» او را به ریشخند گرفته است.

یکی از نه نفری که در محفل خیابان سن مارتن شرکت می کرد ژان اوژیه دوگومبو/Jean Ogier de Gombauld بود که به آیین پروتستان گرویده و مورد توجه و حمایت ملکه ماری دومدیسیس قرار گرفته بود. یکی دیگر آنتوان گودو/Antoine Godeau نام

داشت که کشیش بود و بعدها اسقف گراس (جنوب شرقی فرانسه) شد. یکی دیگر ژان شاپلن نام داشت که پدرش محضردار و مورد اعتماد مارکی تروس و صاحب مکتب فراوان بود. پس از او باید از دو برادر به نامهای فیلیپ آبر/Habert و ژرمن آبر یاد کرد که خود از افراد مرفه و صاحب مکتب بودند. یکی دیگر آبردومونمور/Montmaur بود که احتمالاً پسر عموی دونفر قبلی بود. وی مخبر کمیسیون عرایض در هیأت دولت بود، به فیزیک و شیمی عشق می ورزید، و نخستین جلسات دانشمندانی که بعدها فرهنگستان علوم از آنها پدید آمد در خانه او تشکیل می شد. پس از او باید از شاعری به نام کلود دوملویل یاد کرد که منشی مارشال باسومپیر/Bassompierre بود. و سرانجام لویی ژیری در این محفل شرکت می کرد که عضو انجمن بزرگان فرانسه در دربار بود و نیز صاحب چندین تألیف و ترجمه.

طولی نکشید که این گروه کوچک گسترش یافت و مثلاً از فرانسوا دو بوآ روبر کشیش، که مورد توجه و حمایت مخصوص کاردینال ریشلیو صدراعظم بود، برای شرکت در جلسات دعوت شد. در این میان، والانتن کنرار ازدواج کرد و اشخاص مجردی که هسته مرکزی محفل ادبی را تشکیل می دادند بناچار به خانه دماره دوسن سورلن/Desmarets de Saint-Sorlin در هتل پیل وه/Pellevé نقل مکان کردند. روز به روز بر شمارشان افزوده می شد و دیری نپایید که تعدادشان به بیست نفر رسید. بوآ روبر کشیش از وجود این «جانهای روش» با کاردینال ریشلیو سخن گفت و کاردینال که مردی آزموده و مآل اندیش بود، بیدرنگ میزان اهمیتی را که حمایت روشنفکران از حکومت اومی توانست داشته باشد دریافت و توسط بوآ روبر به دوستان والانتن کنرار پیشنهاد کرد که حمایت او را بپذیرند و محفل خود را به صورت يك سازمان رسمی درآورند. آنان نخست دودلی نشان دادند زیرا که بیم آن داشتند که استقلال خود را از دست بدهند. اما ریشلیو مردی نبود که هرکس بتواند آشکارا در برابرش ایستادگی کند. لذا پیشنهاد بوآ روبر پذیرفته شد و فرهنگستان فرانسه، که تعداد اعضایش از طریق معرفی و انتخاب اعضای اولیه به چهل نفر رسید، سند رسمی تولد خود را در ژانویه ۱۶۳۵ با فرمان رسمی که به امضای لویی سیزدهم رسیده بود، دریافت کرد.

اما پارلمان پاریس، که به فرهنگستان به دیده يك رقیب خطرناک می نگریست، پیش از آنکه بر این کار صحنه بگذارد، دیر زمانی در کار فرهنگستان اخلال کرد تا سرانجام، در ۱۶ ژوئیه ۱۶۳۷، به رسمیت آن رأی داد و تشریفات رسمی برگزار شد. متن فرمان لویی سیزدهم و اساسنامه ای که در فوریه ۱۶۳۵ به تصویب فرهنگستان رسید، نخستین اسناد مکتوب فرهنگستان به شمار می آید. پس از درگذشت ریشلیو در ۱۶۴۲، سگیه/Séguier



کنرار

سال از سنش می گذشت، تقاضا کرد که يك صندلی راحتی یا مبل برایش بگذارند. و شاه دستور داد تا نه يك مبل بلکه چهل مبل در تالار اجتماعات بگذارند تا اصل برابری فرهنگستانی مراعات شده باشد. در دوره حکومت «دیرکتور» (هیأت مدیره) و در اوایل حکومت ناپلئون، انستیتو هم در لوور تشکیل جلسه می داد؛ اما در سال ۱۸۰۵ محل برگزاری جلسات آن به کاخ مازارن منتقل شد. این کاخ مطابق نقشه‌ای که لووو/ Le Vau (طراح قصر ورسای) کشیده بود و به منظور استقرار «دانشکده چهار ملت» ساخته شده بود. کاردینال مازارن دو میلیون فرانک از ماترک خود را وقف آن کرده بود به این نیت که این مبلغ صرف آموزش شصت تن از جوانان ایالت‌هایی بشود که در ۱۶۵۹ به موجب «پیمان پیرنه» به فرانسه پیوسته بودند.

این کاخ بی گمان زیباترین بنای سیک باروک در پاریس است و کلیسای کوچکش به سبب گنبد بیضی شکلش شهرت عام دارد. در دوسوی این کلیسا دو کتابخانه مشهور وجود دارد: یکی کتابخانه مازارن که نخستین کتابخانه‌ای است که در پاریس در به روی مردم گشود و به صورت کتابخانه عمومی درآمد؛ و دیگر، کتابخانه انستیتو. علاوه بر اینها ساختمانهای اداری انستیتو و تشکیلات دفتری خاص هر يك از پنج فرهنگستان و نیز بایگانیهای آنها در پیرامون کلیسا قرار دارند.

فرهنگستان فرانسه جلسات عادی خود را در تالار کوچکی، که در ۱۸۳۹ ساخته شده است، تشکیل می‌دهد و هرگاه که فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی جلسه داشته باشد، تالار رادر اختیار آن می‌گذارد. سه فرهنگستان دیگر از تالار دیگری استفاده می‌کنند که خیلی بزرگتر است و می‌تواند ۱۳۰ عضو پیوسته فرهنگستان علوم و نیز ۸۰ عضو وابسته خارجی آن را در خود جای دهد.

جانشینش شد و همچون سلف خود به حمایت از فرهنگستان قیام کرد. پس از درگذشت سگیه در ۱۶۷۲، لویی چهاردهم پذیرفت که شخصاً انجمن را به زیر بال و پر خود بگیرد. از آن پس فرهنگستان رسمیت تازه یافت و نشستهای خود را در عمارت لوور برگزار کرد.

فرهنگستان فرانسه و مؤسسات مشابه دیگری که تا آن هنگام به وجود آمده بود روز ۸ اوت ۱۷۹۳ به موجب فرمان «کنوانسیون» (مجلس انقلابی که از ۲۱ سپتامبر ۱۷۹۲ تا ۲۶ اکتبر ۱۷۹۵ حکومت فرانسه را در دست داشت) منحل شدند، سر بسیاری از اعضای آن را به گیوتین سپردند و بقیه از ترس «حکومت وحشت» به خارج از کشور گریختند. وقتی که «انستیتوی ملی فرانسه»، بر اساس ماده ۲۹۸ قانون اساسی ۲۲ اوت ۱۷۹۵، تأسیس شد، وظایف فرهنگستان بر عهده «کلاس» سوم آن نهاد شد که چندتن از اعضای فرهنگستان سابق را به عضویت خود پذیرفت.

ناپلئون بناپارت در فرمانی که در ۲۳ ژانویه ۱۸۰۳ در مقام کنسول فرانسه صادر کرد تغییراتی در سازمان این انجمن داد. به موجب این فرمان، «انستیتو» به چهار کلاس تقسیم شد: (۱) علوم فیزیکی و ریاضیات، (۲) زبان و ادبیات فرانسه، (۳) تاریخ و ادبیات کهن، (۴) هنرهای زیبا. در ۲۱ مارس ۱۸۱۶، لویی هجدهم به موجب فرمانی اعلام کرد که «انستیتو» مرکب از چهار فرهنگستان است که همگی مرتبه و نیز نام قدیمی خود را حفظ خواهند کرد: فرهنگستان فرانسه، فرهنگستان مکتوبات و ادبیات، فرهنگستان علوم، و فرهنگستان هنرهای زیبا. ناگفته نماند که باز آفرینی فرهنگستان فرانسه با گزینش و درخشش یازده عضو تازه همراه بود که لوسین بناپارت (برادر ناپلئون) و چندتن از مقامات حکومت امپراتوری از آن جمله بودند.

تشکیلاتی که در ۱۸۱۶ برای انستیتو و فرهنگستانهای آن ایجاد شد تا به امروز به همان صورت باقی مانده است، جز آنکه، در ۱۸۳۲، لویی فیلیپ بخش پنجمی، به نام فرهنگستان علوم اخلاقی و سیاسی، به آن افزود.

از ۲۱ ژوئن ۱۸۱۶، که اساسنامه تازه فرهنگستان فرانسه در آن روز تصویب شد، هیچ تغییر عمده‌ای در مقررات آن داده نشده است.

کاخ فرهنگستان

تا روزی که انقلاب کبیر فرانسه روی داد نشستهای فرهنگستان فرانسه در کاخ لوور برگزار می‌شد. حضرات «چهل تن» در ابتدای امر گرداگرد يك میز بزرگ بر روی صندلی می‌نشستند. يك روز یکی از اعضا، به نام کاردینال دستره/ d'Estrées که هشتاد

فعالیتها

در نخستین اساسنامه فرهنگستان فرانسه مقرر شده بود که این انجمن «به منظور آنکه قواعد مطمئنی برای زبان فرانسه تنظیم کند و آن را نابتر، رساتر و قادر به بیان هنرها و علوم نماید» يك لغتنامه (یا فرهنگ لغت)، يك كتاب دستور زبان، يك كتاب معانی و بیان و يك كتاب فن شعر تدوین کند. همچنین پیش بینی شده بود که فرهنگستان آن دسته از کتابهای ادبی را که در اختیارش گذاشته می شود واریسی و در حق آنها داوری کند. اما، در همان آغاز کار، حادثه ناخوشایندی برای فرهنگستان روی داد. ریشلیو کوشید تا گرنی را به سبب نوشتن سید / Cid ملامت کند، اما این کار خشم فرهنگستانیان را برانگیخت و آشوبی برخاست که حتی انتشار كتاب نظرات فرهنگستان در باره سید هم نتوانست آن را فرو بنشانند. از آن پس، فرهنگستان توانست عاقلانه از برخورداری از امتیاز خطرناکی که ریشلیو برایش در نظر گرفته بود چشم پبوشد. همچنین از تدارك و چاپ يك كتاب دستور زبان خودداری کرد (تا سرانجام در ۱۹۳۲ به اصرار یکی از اعضای خود يك دستور زبان چاپ کرد که خیلی بیشتر از آن نکوهش شد تا ستایش) و نیز به تدوین کتابهای معانی و بیان و فن شعر اقدام نکرد، اما همت بر تنظیم و تدوین لغتنامه ای گماشت که نخستین چاپ آن در ۱۶۹۴ منتشر شد.

این كتاب، که در دو جلد به قطع بزرگ انتشار یافت، حاوی كلمات رایج در زبان فرانسه بود؛ اما این كلمات، به جای آنکه به ترتیب حروف الفبا تنظیم شده باشند، به ترتیب گروههای هم خانواده و هم ریشه دسته بندی شده بودند و لذا زمانی دراز طول کشید تا مورد استقبال اهل زبان قرار گیرد. در همین احوال، واقعه ناخوشایندی در فرهنگستان روی داد و آن این بود که یکی از اعضا به نام فور تیر / Furetière، با چاپ يك لغتنامه عمومی که خود او تدوین کرده بود، بر فرهنگستان پیشی گرفت و هم محفلانش متهمش کردند که متقلبانه از کارهای مقدماتی فرهنگستان بهره گرفته است و لذا او را از جمع خود بیرون کردند؛ لکن لویی چهاردهم فقط پس از مرگ او اجازه داد که دیگری به جایش برگزیده بشود.

چاپ دوم لغتنامه در ۱۷۱۸ منتشر شد که البته این بار به ترتیب الفبایی تنظیم شده بود و استفاده از آن آسانتر بود. این لغتنامه در ۱۷۴۰ و ۱۷۶۲ تجدید چاپ شد و در ۱۷۹۸ چاپ پنجم آن به کوشش دولت انقلابی- که به هنگام انحلال فرهنگستان دستنوشته لغتنامه را ضبط کرده بود- انتشار یافت. پس از آن، لغتنامه در سالهای ۱۸۳۵ و ۱۸۷۸ و ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۵ تجدید چاپ شد. لغتنامه فرهنگستان که مورد استعمال روزانه دارد، شکل كلمات را معین می کند و، به کمک تعاریف همراه با شاهد مثال،

معنای آنها را به دست می دهد. شماره واژه هایی که در لغتنامه گرد آورده شده است در هر چاپ به میزان قابل توجهی افزایش یافته است و تغییراتی در جهت سهولت خواندن و نوشتن كلمات در شکل آنها داده شده است. مثلاً در چاپ ۱۷۱۸، حروف زاید و بیهوده ای را که در حدود يك سوم از کل كلمات بود حذف کردند. فرهنگستان فرانسه در حال حاضر کار تجدیدنظر در چاپ هشتم را به منظور آماده کردن چاپ نهم دنبال می کند و تا به امروز تصمیمهای مختلفی در مورد شکل كلمات و وارد کردن كلمات تازه گرفته است. این کار هم در نشستهای همگانی و هم در کمیسیون لغتنامه انجام می گیرد. علاوه بر این و تا هنگامی که تحریر تازه لغتنامه از چاپ خارج شود فرهنگستان هشدارهایی به صورت دستورالعمل برای جلوگیری از ورود كلمات تازه نامناسب و یا بروز اشتباهات دستوری و املائی صادر کرده است.

مواجب فرهنگستان

در زمان حکومت سلطنتی، برای هر جلسه ۴۰ لیره به اعضای فرهنگستان پرداخته می شد. علاوه بر این، اغلب آنان از خزانه شاهی جیره ماهانه می گرفتند و حتی یکی از ایشان به نام شاپلن / Chapelain چندین جیره دریافت می کرد. به همین سبب، شعری ساخته شده بود که در يك بیت آن گفته می شد: «شاپلن خوش درآمدترین همه جانهای روشن است».

در سال ۱۷۹۶، پس از تجدید سازمان «انستیتو»، قانون ۹ ژوئیه (سال چهارم انقلاب) برای هر عضو موجب ثابت ۱۵۰۰ فرانک در سال را تعیین کرد. اما خود انستیتو مصوبه ای برای تعیین شرایط پرداخت مواجب تدوین کرد که براساس آن مواجب اعضا به تناسب سابقه آنان پرداخت می شد و برای آنکه نوسانات پولی جبران شود و از این بابت زیانی متوجه اعضا نگردد يك مأخذ برابری تعیین کرد که به موجب آن مقدار این ۱۵۰۰ فرانک برابر ۷۵۰ ده هزار گرم (۷۵۰۰ کیلوگرم) گندم مرغوب تعیین شد.

این مبلغ بیش از يك قرن ثابت ماند و کمابیش ارزش خود را حفظ کرده بود. اما از اوایل قرن بیستم ارزش آن روبه کاهش نهاد و در آستانه بروز جنگ جهانی اول قدرت خرید آن به نیمی از آنچه در آغاز بود تنزل یافته بود. در ۱۹۲۸، پس از ثباتی که رئیس جمهوری پوآنکاره ایجاد کرد، مبلغ مواجب سالانه هر عضو فرهنگستان به ۵۰۰۰ فرانک افزایش یافت که کمابیش برابر با ارزش پولی طلا در زمان ایجاد فرهنگستان بود. اما، از آن پس، افزایش نرخ تورم و کاهش بیابایی ارزش فرانک ارزش واقعی این مبلغ را می توان گفت به صفر رساند (حدود ۵۰ فرانک در سال). لذا در ۱۹۷۱ تجدیدنظری در میزان مواجب صورت گرفت و مبلغ

زبان فرانسوی، رمان، تئاتر، تاریخ (جایزهٔ اخیر به نام جایزهٔ گو بر/ Gobert معروف است. گو بر در ۱۸۳۵ این جایزه را وضع کرد و هر چند که ارزش موقوفات او بر اثر کاهش ارزش پول به میزان ناچیزی رسیده، هنوز هم نام او محفوظ مانده است).

در ۱۹۸۰، پل موران / Paul Morand جایزه‌ای در اختیار فرهنگستان قرار داد که هر دو سال یک بار اهدا می‌شود و مبلغ آن ۳۰۰۰۰۰ فرانک است.

ادارهٔ فرهنگستان و سازماندهی امور مالی آن از وظایف «کمیسیون اداری» است که از دبیردائم فرهنگستان در مقام رئیس کمیسیون و دوتن عضو به انتخاب اعضای فرهنگستان تشکیل می‌شود.

نشستها و انتخابات

فرهنگستان روزهای پنجشنبه از ساعت ۳٫۵ تا ۴٫۵ بعد از ظهر تشکیل جلسه می‌دهد. معمولاً قبل از هر نشست، جلسهٔ کمیسیون لغتنامه تشکیل می‌شود که بعد از جلسهٔ عمومی فرهنگستان هم ادامه می‌یابد. علاوه بر این، فرهنگستان هر سال یک بار در ماه دسامبر (آذر) یک نشست همگانی در «تالار فرهنگستان» برگزار می‌کند و در همین نشست است که مراسم تشریفاتی پذیرش اعضای تازه انجام می‌گیرد.

ریاست هر نشست با یک «رئیس» است که جلسه را به کمک یک «مُهدار» (نایب‌رئیس) و یک «دبیر دائم» اداره می‌کند. رئیس و مهدار برای مدت سه ماه انتخاب می‌شوند اما منصب دبیر دائم چنانکه از نامش بر می‌آید، مادام‌العمری است. در مادهٔ چهارم اساسنامهٔ ۱۸۱۶، که هنوز هم به قوت خود باقی است، تصریح شده است که

هرگاه یک کرسی، بر اثر درگذشت یک عضو، خالی شود خبر آن در نزدیکترین جلسهٔ بعد اعلام شده و در صورت جلسه منعکس می‌گردد.

در همین ماده پیش‌بینی شده بود که انتخاب عضو تازه حداقل یک ماه پس از ابلاغ خبر درگذشت عضو فقید انجام گیرد. در حال حاضر، اعلان خبر خالی شدن یک کرسی معمولاً یک ماه پس از درگذشت صاحب آن و انتخاب عضو تازه چندین ماه پس از اعلان آن خبر صورت می‌گیرد. در طول تاریخ، کهگاه این فواصل زمانی خیلی بیشتر از فاصلهٔ زمانی مقرر در اساسنامه بوده است، اما فرهنگستان در حال حاضر می‌کوشد که عضو جدید در حدود شش ماه پس از مرگ عضو قدیم انتخاب شود و پنج یا شش ماه پس از انتخاب شدن مراسم تحلیف را به عمل آورد و کرسی خود را اشغال کند.

روش انتخاب عضو در گذشته بسیار پیچیده بود؛ زیرا در

آن ۴۸۶۰ فرانک جدید تعیین شد، در حالی که کاهش ارزش فرانک همچنان ادامه داشت.

میزان مواجب فرهنگستان تابع تناسبات بسیار پیچیده است. در حال حاضر هر عضو فرهنگستان در حدود ۲۰۰۰۰ فرانک مواجب سالانه دارد که البته شامل «حق حضور» هم می‌شود و در صورت غیبت کاهش می‌یابد. به چهارتن از کهنسالترین اعضا و نیز به چهارتن از رؤسای انتخابی فرهنگستان دوبرابر مواجب تعلق می‌گیرد. اما واقعیت این است که این مبلغ در مقایسه با ارزش پول در ۱۷۹۶ و حتی در ۱۹۱۴ اصلاً در خور اعتنا نیست.

بنیادهای خیریه، درآمدها و جوایز

فرهنگستان فرانسه، صرف نظر از هزینه‌های اداری آن که در صورت بودجهٔ کل کشور وارد می‌شود، ادارهٔ ۳۶۶ بنیاد یا مؤسسه را که دارایی آن را تشکیل می‌دهند، برعهده دارد.

این اموال، که مالکیتشان با فرهنگستان است، از طریق وقف و هبه به فرهنگستان رسیده است و سابقهٔ قدیمترین آنها به قرن هجدهم می‌رسد. محل مصرف درآمد این هبه‌ها و اوقاف را بانیان آنها مشخص کرده‌اند که عبارتند از اهدای جوایز ادبی، جبران کارهای فوق‌العاده (جایزهٔ فضیلت که مخصوصاً در قرن نوزدهم رایج بود) و کمک به خانواده‌های شایسته. البته این بنیادها و اموالشان از آسیب کاهش ارزش پول در امان نماندند و اگر در طی چندسال گذشته کمکهای کلان به فرهنگستان اهدا نمی‌شد، امروزه سرمایهٔ منقول فرهنگستان بس ناچیز می‌بود.

خوشبختانه بخشی از آنچه وقف فرهنگستان شده اموال غیرمنقول بوده است و از هنگامی که میزان مال‌الاجاره‌ها به تناسب افزایش هزینهٔ زندگی افزایش یافته است درآمد ناشی از اجارهٔ اماکن متعلق به فرهنگستان بخش عمده‌ای از درآمدهای آن را تشکیل می‌دهد.

فرهنگستان فرانسه از محل درآمدهای خود هر سال در حدود ۱۵۰ جایزه اهدا می‌کند. مبلغ این جوایز قبلاً اندک بود، اما از حدود ده سال پیش در آن تجدیدنظر و بین ۳ تا ۱۰۰۰۰ فرانک تعیین شده است. البته مبلغ برخی از جوایز خیلی بیشتر است مثل جوایز بزرگ ادبیات، شعر، نقد، تحقیق، داستان کوتاه، گسترش

اساسنامه ۱۷۵۲ تصریح شده بود که انتخابات در دو مرحله انجام می‌گیرد: مرحله اول با ورقه رأی که ضمن آن «نامزدی که فرهنگستان در مورد او به توافق می‌رسید» مشخص می‌شد؛ اما بیدرنگ مرحله دوم با مهره‌های سفید (موافق) و سیاه (مخالف) برگزار می‌شد که در آن رأی دهندگان آزادی عمل بیشتر داشتند. نامزدی که با ورقه انتخاب می‌شد هر گاه در مرحله دوم يك سوم از کل اعضا با مهره سیاه با انتخاب او مخالفت می‌کردند، کنار گذاشته می‌شد و رأی‌گیری برای نامزد دیگر انجام می‌گرفت. این شیوه انتخاب ظاهراً برافزوده است، اما اثر آن هنوز در انتخابات فرهنگستان برجاست. به این معنی که به جای آنکه براساس آرای که داده شده است اکثریت را در نظر بگیرند، از آنجا که آرای سفید به حساب نمی‌آید، اعضا می‌توانند روی رأی سفید يك علامت ضربدر بگذارند و بعد آن را در گلدان بریزند و همین آرا در محاسبه نهایی اثر می‌گذارد. مثلاً اگر يك نامزد ۱۵ رأی از ۳۰ رأی را به دست بیاورد، از آنجا که ۱۵ رأی دیگر با علامت ضربدر مشخص شده است باید رأی‌گیری دیگری انجام بگیرد، زیرا که مثل این است که دونفر به تساوی رأی آورده‌اند. در سابق، نوبت رأی‌گیری محدود نبود و حتی اتفاق افتاده است که اعضا پس از ۱۹ بار رأی‌گیری هم به اکثریت دست نیافته‌اند. اما عرف معمول امروز نوبت رأی‌گیری را به سه بار محدود کرده است، در عین حال فرهنگستان در صورت لزوم می‌تواند برای بار چهارم هم رأی‌گیری کند. و اگر در رأی‌گیری چهارم هم تکلیف نامزد ورود به فرهنگستان روشن نشود رأی‌گیری بعدی به زمانی پس از آن موکول می‌شود.

اعلان یا پیشنهاد نامزدی معمولاً در نامه‌ای تسلیم دبیر دائم می‌گردد. برای آنکه انتخاب عضو جدید صورت گیرد، درخواست رسمی دست کم بیست عضو ضرورت دارد. اگر این رقم حاصل نشود رأی‌گیری به هشت روز بعد موکول می‌شود که در آن روز تعداد ۱۸ نفر موافق کفایت می‌کند. و اگر در آن روز این حد نصاب حاصل نشود انتخاب منتفی می‌گردد.

قبل از هر انتخاب باید ماده مربوط به نظرخواهی از اعضا، که در اساسنامه ۲۱ ژوئن ۱۸۱۶ ذکر شده و به شرح زیر است، قرائت گردد:

از آنجا که وجه اعتبار فرهنگستان اساساً وابسته به توجهی است که به امر پر کردن کرسیهای خالی به وجه مطلوب نشان می‌دهد، کمترین التفاتی به اسباب چینیها و تمناها، به هر شکل که باشد، نخواهد کرد، و هر عضو نظر خود را تا هنگام برگزاری انتخابات برای خود حفظ خواهد کرد و هنگامی آن را بیان می‌کند که شخص مورد نظر خود را واقعاً اصلح بداند.

از نامزدان کرسیهای خالی خواسته می‌شود که از هر گونه دیدار با اعضا

به منظور جلب نظر و رأی آنان خودداری کنند. همین اندازه کافی است که شفاهاً یا از طریق نامه‌ای خطاب به یکی از اعضا و یا از راه نامنویسی در دبیرخانه علاقه خود را به عضویت اعلان کنند.

هر چند متن این دستورالعمل بسیار سخت و جدی است رسم دیدار با اعضای فرهنگستان از همان ابتدا رواج یافت و امروزه بس ریشه‌دار و استوار است و بسیاری از اعضای فرهنگستان با رغبت نامزدها را می‌پذیرند. و این البته طبیعی است که علاقه‌مند باشند شخصاً کسانی را که قرار است هر روز پنجشنبه آنان را در جلسه ببینند از نزدیک بشناسند.

در همان روز که انتخاب عضو جدید انجام می‌گیرد نتیجه رأی‌گیری به اطلاع رئیس کشور که حامی فرهنگستان است، می‌رسد. او با تعیین يك وقت ملاقات با عضو جدید عملاً بر رأی فرهنگستان صحه می‌گذارد. آنگاه در روز ملاقات رئیس فرهنگستان عضو جدید را به او معرفی می‌کند.

پنج یا شش ماه پس از آن، عضو جدید وارد فرهنگستان می‌شود و در «تالار» فرهنگستان نطقی در تشکر از فرهنگستان ایراد می‌نماید که قسمت عمده آن به ستایش سلفش اختصاص دارد. «رئیس وقت» فرهنگستان - یعنی کسی که در هنگام اعلان خالی شدن کرسی رئیس بوده است - به او پاسخ می‌گوید. البته در روز پنجشنبه پیش از آن در يك جلسه غیرعلنی که در اتاق کمیسیونها برگزار می‌شود، متن هر دو نطق قرائت می‌گردد تا اعضا پیش از وقت از کم و کیف آنها آگاه باشند. پس از این مراسم، عضو جدید را به تالار جلسات راهنمایی می‌کنند و از آن پس حق می‌یابد که در تدوین لغتنامه شرکت جوید.

سنتی که سه قرن پاییده است

فرهنگستان فرانسه کهنترین نهاد فرهنگی که از فرانسه قدیم به جا مانده باشد، نیست زیرا که «کولژ دو فرانس» يك قرن پیش از آن تأسیس شده است و هنوز هم دایر است. اما فرق فرهنگستان با مؤسسات مشابه در این است که هیچیک از آنها به مانند فرهنگستان خصلت اولیه خود را حفظ نکرده است. اساسنامه فرهنگستان - چنانکه دیده شد - در طی سه قرن هیچ تغییر عمده‌ای جز در جزئیات نکرده است و این تغییر عمدتاً در صورت ظاهر



عبارات و سبک متن بوده است نه در ماهیت آنها. به این ترتیب هیچ نهادی به خوبی و دقت فرهنگستان سنتهای خود را حفظ نکرده است. فرهنگستان فرانسه در دل دنیایی که تورم دامنه‌های خود را نه تنها بر عوالم مادی که حتی به عوالم معنوی می‌گستراند، هرگز شماره اعضای خود را افزایش نداده و از اصول اولیه خود عدول نکرده است و در انتخاب اعضای تازه هنوز هم همان آزادی عمل و دقت و سواس آمیز در حقیقت‌جویی را که در روزگار لویی چهاردهم داشت حفظ کرده است.

مردانی که طرز فکرهای متفاوت و مسلکهای گوناگون داشته‌اند همواره از برکت برابری فرهنگستانی در کنار هم گرد آمده‌اند. اعظم روحانیت مسیحی، دوکها، امرای عالیرتبه، وزرا و حتی چند رئیس جمهوری با نویسندگان، شاعران، مورخان و نماینده‌های نوپسان در یک جا نشستند و در زیر گنبد فرهنگستان با یکدیگر گفت‌وگو و همکاری و همفکری کرده‌اند. البته تعداد هر یک از این اصناف در دوره‌های مختلف فرق می‌کرده است. مثلاً در قرن هجدهم گاهی ۱۷ تن از ۴۰ عضو فرهنگستان کشیش بوده‌اند در حالی که در روزگار ما شماره آنان به یک یا دو تن کاهش یافته است. غالباً از وجود «قبیله» یا «حزب» و «دسته» در بطن فرهنگستان سخن به میان می‌آید. اما در واقع دسته‌بندی در فرهنگستان وجود ندارد و این کلمات را باید بیان ساده‌ای که تمثیل دانست. البته گاهی یک کرسی چند بار پیاپی به امرای قشون یا کشیشان رسیده است، اما فرهنگستان می‌کوشد ترتیبی به کار گرفته شود تا تنوعی در شخصیت کسانی که هر کرسی را اشغال می‌کنند به وجود آید.

فهرست کسانی که از ۱۶۳۵ تا به امروز به فرهنگستان راه یافته‌اند نشان می‌دهد که از آغاز تاکنون ۶۷۰ نفر به عضویت فرهنگستان در آمده‌اند. آمارگران آمارهای دقیقی درباره متوسط عمر ایشان و میزان مرگ‌ومیر «نامیرایان» فراهم آورده‌اند و به نتایج جالب رسیده‌اند. مثلاً کرسی شماره ۲۶ از ابتدا تا به امروز در اشغال فقط ۱۱ نفر بوده است، و حال آنکه هر یک از کرسیهای شماره ۴ و ۱۹ را ۲۰ نفر اشغال کرده‌اند و این بدان معنی است که صاحبان کرسی ۲۶ دراز عمرتر از دیگران بوده‌اند. در عین حال باید دانست که تاکنون هیچیک از اعضای فرهنگستان به صدسالگی نرسیده است. حتی فونتونل / Fontenelle هم که دراز عمرترین عضو فرهنگستان بوده است چند ماه پیش از آنکه به صدسالگی برسد، درگذشت.

جوانترین عضو فرهنگستان دوک آرمن دوکواسلن / کوآلن Armand de Coislin بوده است که این رکورد را برای همیشه حفظ خواهد کرد زیرا که در ۱۷ سالگی به عضویت فرهنگستان انتخاب شد، شاید بدان سبب که نوه سگیه صدراعظم بود.

اما يك کرسی چهل و یکم هم در عالم تصور وجود دارد، و این همان کرسی است که مردم برای بزرگان فرهنگ و ادب خود جعل کرده‌اند و همین را دستاویز نکوهش از فرهنگستان قرار می‌دهند. در واقع فرهنگستان هرگز راضی نشد که کسانی همچون مولیر، روسو، دیدرو، استاندال، بالزاک، فلوربر و امیل زولا را در داخل خود بپذیرد. فهرست این قبیل نویسندگان و شعرا درازتر از این است و اگر هر مورد خاص به دقت بررسی شود غیبت این افراد از فرهنگستان تأسف آور خواهد نمود. در عین حال، دلایلی برای این امر وجود دارد: امیل زولا چندین بار نامزد شد ولی هرگز پذیرفته نشد در حالی که استاندال و فلوربر هرگز علاقه‌مند به عضویت در فرهنگستان نشدند. اما اشتباه بزرگ فرهنگستان که هنوز هم تأسف آن را می‌خورد و برای جبران آن دست به هر کاری می‌زند این است که در سالهای قبل از ۱۹۷۰ زیر فشار قدرت حاکم [ژنرال دوگل] از پذیرفتن بزرگترین شاعر زنده زمانه [لویی آراگون] خودداری کرد.

اساسنامه

صرف نظر از فرمان لویی سیزدهم که در ژانویه ۱۶۳۵ صادر شد و خطوط کلی سازمان فرهنگستان را تعیین می‌کرد، سه اساسنامه تاکنون برای این نهاد تدوین شده است: (۱) اساسنامه ۲۲ فوریه ۱۶۳۵ در ۵۰ ماده به امضای ریشلیو، (۲) اساسنامه ۳۰ مه ۱۷۵۲ در ۱۲ ماده به امضای لویی چهاردهم، (۳) اساسنامه مصوب ۲۱ ژوئن ۱۸۱۶ در ۱۸ ماده به امضای لنه / Laine وزیر کشور که هنوز هم به قوت خود باقی است. مواد اساسنامه اخیر بدین شرح است:

ماده ۱

فرهنگستان فرانسه دارای چهل عضو و سه مقام ارشد است:

يك رئيس،

يك مهردار (نایب رئیس)،

يك دبیر که در عین حال خزانه‌دار هم هست.

رئیس و مهردار با اکثریت مطلق آرا برای مدت سه ماه انتخاب

می‌شوند و دبیر مادام‌العمر در این سمت خواهد ماند.

کارهای معمول فرهنگستان است. رئیس برای تعیین ترتیبی که باید به این موضوعها داده شود با اعضای فرهنگستان مشورت می‌کند. پیشنهادهایی که مغایر با این اهداف باشد، هر اندازه که مهم باشد، مورد عنایت قرار نخواهد گرفت مگر در نشست خاصی که برای بحث درباره آن پیشنهاد تشکیل می‌شود. رئیس یا قائم مقام او موظف است نظم جلسات را حفظ کند و مقررات اساسنامه را به اجرا در آورد.

ماده ۷

فرهنگستان علاوه بر جلسات خصوصی هر سال يك نشست همگانی در ۲۵ اوت تشکیل می‌دهد [این نشست امروزه در دسامبر / آذر تشکیل می‌شود].

جلسات همگانی برای پذیرش اعضای جدیدی که فرهنگستان برگزیده و به تصویب شاه رسیده باشد تشکیل می‌شود.

ماده ۸

فرهنگستان هر سال جایزه‌ای به ارزش ۱۵۰۰ فرانک اهدا می‌کند که به تناوب نصیب يك نوشته و يك قطعه شعر خواهد شد. موضوع نوشته یا شعر را فرهنگستان به مسابقه می‌گذارد و از طریق روزنامه‌ها به اطلاع همگان می‌رساند.

فرهنگستان درباره شکل مسابقه و شرایط آن بحث و تبادل نظر می‌کند و می‌تواند جایزه را به يك اثر بدهد یا در صورت لزوم میان چند اثر تقسیم کند و یا برای مسابقه بعد بگذارد. نظر فرهنگستان باید در جلسه ۲۵ اوت اعلان شود و جایزه در همان جلسه اهدا گردد.

ماده ۹

فرهنگستان در نشستهای همگانی کرسیهای خاصی برای اعضای خود پیش‌بینی می‌کند و کرسیهای دیگری برای اعضای سه فرهنگستان دیگر بی‌آنکه جای مشخصی برای هر کس منظور شود.

ماده ۱۰

فرهنگستان برای بزرگداشت جشن سن لویی [لویی نهم که از ۱۲۲۶ تا ۱۲۷۰ پادشاه فرانسه و بردی نیکوکار و بانی آثار خیر از جمله سورین بود، که انقلاب فرانسه جشن او را ملغی کرد] رسوم سابق خود را به کار خواهد بست.

ماده ۱۱

در جلسات همگانی هیچ قطعه شعر یا نوشته‌ای که قبلاً سه مقام ارشد و دو عضو انتخابی دیگر فرهنگستان آن را واریسی و تأیید نکرده باشند قرائت نخواهد شد. انتخاب آن دو عضو به قید قرعه انجام خواهد گرفت.

ماده ۱۲

سه مقام ارشد که هیأت‌رئیس فرهنگستان اند يك کمیسیون دایمی، برای بررسی همه موضوعهای بحث که مستلزم واریسی خاص اند ولی منحصرأ به کارهای معمول فرهنگستان ارتباط می‌یابند، تشکیل می‌دهند. اگر موضوع خاصی مستلزم بررسی فوق‌العاده باشد، فرهنگستان می‌تواند دو تن از اعضای خود را تعیین کند تا به اعضای هیأت‌رئیس، که قانوناً عضو همه کمیسیونها جز کمیسیون مندرج در ماده ۳ هستند، کمک کنند.

ماده ۲

رئیس شخصاً یا از طریق نماینده‌اش ریاست فرهنگستان را در جلسات علنی و خصوصی و در هر فرصت دیگر، در حضور شاه و شاهزادگان عهده‌دار است. در این موارد او به نام کل انجمن سخن می‌گوید. هرگاه شرایطی پدید آید که بر اثر آنها رئیس نتواند وظایف خود را انجام دهد، مهرداد در تمامی سمتها جانشین او خواهد بود. در غیاب مهرداد، سمتهای رئیس بر عهده مستترین عضو خواهد بود و در غیاب او بر عهده دبیر.

ماده ۳

اداره داراییهای فرهنگستان به عهده کمیسیونی است که بر اساس فرمان ۲۱ مارس ۱۸۱۶ شاه تشکیل گردیده و اعضای آن عبارتند از دبیر دایم که وظیفه خزانه‌داری و ریاست کمیسیون را به عهده خواهد داشت و دو عضو دیگر که با اکثریت مطلق آراء با ورقه انتخاب خواهند شد.

ماده ۴

دبیر دایم موظف به حفظ دفاتر، عنوانها و مدالهای رسمی فرهنگستان و نیز متن نطقها و اشعاری است که برای شرکت در مسابقه دریافت می‌کند. او مسؤول همه اقدامات لازم برای حفظ انتظامات داخلی و توزیع کرسیها در نشستهای همگانی است.

ماده ۵

فرهنگستان در هر هفته دو جلسه برای کارهای عادی تشکیل می‌دهد: يك جلسه در روز سه‌شنبه و جلسه دیگر در روز پنجشنبه. و اگر یکی از جشنهای رسمی با یکی از این روزها مصادف شود جلسه در شب جشن یا در روز بعد تشکیل می‌شود.

زمان هر جلسه، از ساعت دوونیم تا چهارونیم بعدازظهر خواهد بود. دبیر در رأس ساعت دوونیم نام همه اعضای حاضر را قرائت می‌کند و دفتر را می‌بندد. کسانی که تأخیر کنند یا بدون عذر موجه پیش از وقت جلسه را ترك کنند از حق رأی و حقوق دیگر محروم خواهند شد.

ماده ۶

هدف از تأسیس فرهنگستان فرانسه کوشش در جهت تهذیب زبان و تثبیت آن و روشن نمودن دشواریهای آن و حفظ خصوصیت و اصول زبان است، لذا اعضای فرهنگستان در جلسات خصوصی خود به هر آنچه که به این منظور کمک کند خواهند پرداخت. بحث درباره آنچه به دستور زبان، معانی و بیان، شعر و ملاحظات انتقادی درباره وجوه خوب و بد نویسندگان مربوط می‌شود و نیز مباحثه به منظور تدارك چاپ آثار کلاسیک فرانسوی و مخصوصاً تدوین يك لغتنامه تازه زبان موضوع

با اعضای فرهنگستان به منظور جلب نظر و رأی آنان خودداری کنند. همین اندازه کافی است که شفاهاً یا از طریق نامه‌ای به یکی از اعضا و یا از راه نامنویسی در دبیرخانه علاقه خود را به عضویت اعلان کنند.

ماده ۱۶

پیش از اقدام به رأی‌گیری برای انتخاب عضو جدید، دبیر فرهنگستان با صدای بلند فهرست نامزدها را، که قبلاً با رعایت مقررات و شرایط لازم پیشنهاد شده‌اند، قرائت می‌کند و اعضای فرهنگستان حق ندارند به کسی جز آنان که در فهرست ثبت نام شده اند رأی بدهند. پس از آن، دبیر متن آن مواد از اساسنامه حاضر را که به انتخابات مربوط است قرائت می‌کند. آنگاه رئیس از هر يك از اعضای حاضر می‌پرسد که آیا به کسی از نامزدها قول رأی خود را داده است یا نه؟ و اگر چنین کاری کرده باشد، دیگر حق شرکت در رأی‌گیری را ندارد.

ماده ۱۷

همین که انتخاب عضو جدید مطابق با آنچه گفته شد انجام گرفت، گزارش آن بیدرنگ توسط رئیس یا مهرداد، و در غیاب ایشان، توسط یکی از اعضا که به انتخاب فرهنگستان تعیین می‌شود به اطلاع شاه خواهد رسید و اگر این انتخاب به تأیید او نرسد، فرهنگستان پس از آن و به همان گونه که گفته شد انتخابات دیگری انجام خواهد داد.

ماده ۱۸

عضو جدیدی که فرهنگستان انتخاب می‌کند و انتخاب او به تأیید می‌رسد حق حضور در فرهنگستان را ندارد مگر پس از برگزاری جلسه همگانی که به منظور پذیرش و تحلیف او تشکیل می‌شود. او در آن نشست نطقی می‌کند که در ضمن آن از عضو فقید فرهنگستان، که خود او کرسیش را اشغال کرده است، ستایش می‌نماید و نیز به بررسی چند موضوع ادبی می‌پردازد. رئیس فصلی فرهنگستان، که در زمان او خبر خالی شدن کرسی اعلان شده است، ریاست اجلاس را به عهده خواهد داشت و به نطق عضو جدید پاسخ خواهد گفت، در غیاب او مهرداد و در غیاب مهرداد يك عضو دیگر فرهنگستان این وظیفه را انجام خواهد داد.

نام و نشان و رنگ انتخابی فرهنگستان

نخستین نشست فرهنگستان در ۱۳ مارس ۱۶۳۴ (رمضان ۱۰۴۳ ق.) تشکیل گردید اما نام آکادمی فرانسه (فرهنگستان فرانسه)، هشت روز بعد بر روی آن گذاشته شد. اعضا در ابتدا خود را «آکادمیست» نامیدند، اما دو سال پس از آن عنوان «آکادمیسین» بر خود گذاشتند و این عنوانی است که هنوز هم به کار می‌رود. بعدها به اعضای فرهنگستان صفت «نامیرایان» یا «جاودانان» داده شد و ادمون رُستان در وصفشان نوشت: «همه این نامها که حتی يك نفرشان نخواهد مرد، چه زیباست!» و این شاید بدان سبب است که شماره اعضای فرهنگستان هرگز تغییر نمی‌کند و کم و یا زیاد نمی‌شود و شاید هم از آن روست که نام عضو فرهنگستان به لحاظ فضل و معرفت صاحب آن هرگز فراموش نمی‌شود. ولتر در حق فرهنگستان نوشته است «گروه آزاده‌ای است مرکب از بزرگترین



يك کمیسیون نمی‌تواند جز به موضوع خاصی که برای بررسی آن تشکیل شده است بپردازد و ملزم است که در کوتاهترین مدت گزارش کار خود را بدهد.

فرهنگستان مراقبت خواهد کرد تا هیچ بحث بیهوده‌ای آن را از کارهای اصلی منحرف نکند.

ماده ۱۳

انتخابات از طریق رأی‌گیری با ورقه انجام می‌گیرد. رئیس و مهرداد به اکثریت مطلق آرا و در جلسه‌ای که شرکت کنندگان در آن کمتر از ۱۵ نفر نباشند انتخاب می‌شوند. رئیس نمی‌تواند در دوره پیاپی انتخاب شود اما انتخاب مجدد او يك سال پس از پایان دوره قبل مدیریت بلامانع است.

مهرداد نمی‌تواند دوباره و بیدرنگ در منصب خود و یا به جای رئیس انتخاب شود و برای انتخاب مجدد او باید شش ماه از پایان دوره قبل گذشته باشد.

دبیر انتخاب نمی‌شود مگر در نشست خاصی که به همین منظور تشکیل می‌گردد و دست کم باید بیست تن از اعضا در آن حاضر باشند. انتخاب قطعی او باید به تأیید شاه برسد.

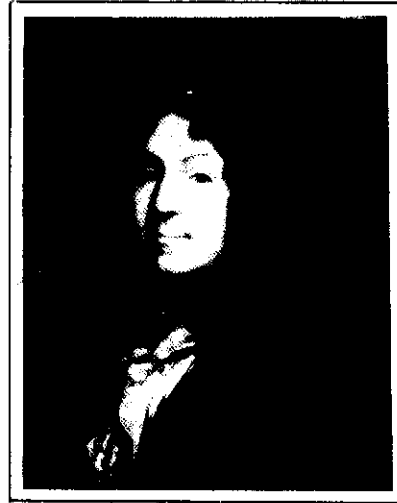
ماده ۱۴

وقتی که بر اثر درگذشت یکی از اعضا يك کرسی خالی شود، در اولین جلسه بعد خبر آن اعلان می‌شود و در دفاتر فرهنگستان ثبت می‌گردد. نمی‌توان عضو تازه‌ای را انتخاب کرد مگر اینکه از زمان اعلان خبر تا روز انتخاب حداقل يك ماه فاصله باشد و انتخاب در جلسه‌ای صورت می‌گیرد که به همین منظور تشکیل می‌گردد و حداقل بیست عضو باید در آن حضور یابند.

اگر در جلسه مورد نظر تعداد حضار به بیست نفر نرسد، انتخاب به هشت روز بعد موکول می‌شود که در آن صورت حضور هجده عضو کفایت می‌کند. اگر در آن جلسه هم تعداد حضار به هجده عضو نرسد، انتخاب عضو جدید به وقت دیگری که رئیس آن را تعیین می‌کند موکول خواهد شد.

ماده ۱۵

فرهنگستان از آنجا که وجهه و اعتبارش وابسته به دقتی است که در پر کردن کرسیهای خالی به وجه مطلوب نشان می‌دهد، کمترین التفاتی به اسباب چینیها و تمناها، به هر شکل که باشد، نخواهد کرد، و هر عضو نظر خود را تا هنگام انتخاب برای خود حفظ خواهد کرد و هنگامی آن را بیان می‌کند که شخص مورد نظر خود را واقعاً اصلاح بداند. از نامزدهای کرسیهای خالی خواسته خواهد شد که از هر گونه دیدار



راسین

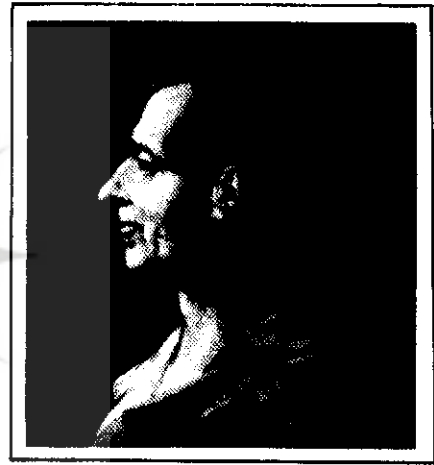
انستیتو پس از بحث‌های متوالی لزوم داشتن اونیفورم مشخص و ساده را برای اعضا پذیرفت و ضمن يك نشست فوق العاده تصمیم گرفت که رنگ لباس اعضا سیاه و ثابت باشد با يك نوار سبز به صورت شاخه زیتون از نخ ابریشم. همچنین تصمیم گرفته شد که تمامی حواشی لباس نواردوزی بشود. در عین حال، اعضا آزاد بودند که لباس کامل با شلوار کوتاه یا بلند بپوشند.

این تصمیمها توسط وزیر کشور به اطلاع هیأت کنسولی رسید و کنسولها، ضمن يك فرمان سه ماده‌ای به امضای ناپلئون، آنها را با تغییرات اندک تصویب کردند به این معنی که اعضای فرهنگستان مختار شدند که لباس کامل یا معمولی بپوشند. لباس کامل عبارت بود از شنل، جلیقه یا کت، شلوارک یا شلوار که تمامی به رنگ سیاه باشد و حاشیه آنها با ابریشم سبز پررنگ نواردوزی شده باشد. لباس معمولی عبارت بود از همان لباسها بدون نوار سراسری. در این لباس نوار فقط در حاشیه آستین و یقه دوخته می شد. کلاه آنان کلاه سه ترک فرانسوی بود.

اندکی بعد این لباس صورت ساده تر یافت و به جای رنگ سبز رنگ سرخ و طلایی پیشنهاد شد، ولی کمیسیون که به همین منظور از سوی دولت جمهوری تشکیل شد تصمیم گرفت که رنگ لباس قهوه‌ای تیره و رنگ نوار قهوه‌ای روشن باشد. اندکی پس از آن، کنسول فرانسه تصمیم گرفت که رنگ لباس اعضای فرهنگستان سیاه باشد و يك نوار به صورت شاخه زیتون طلایی رنگ روی حاشیه آن دوخته شود. کمر بند هم به همان رنگ در نظر گرفته شد با شرابهایی به رنگ لباس.

سرانجام برای نشانهای زینتی فرهنگستان رنگ سبز در نظر گرفته شد. رنگ سبز مخصوصی که روی سردوشهای لباس اعضا و روی کمرشان دیده می شود. علت انتخاب آن این بود که در آن سالها رنگ سبز معنایی خاص داشت، مظهر انقلاب و سازندگی بود. البته برای انتخاب رنگ فرهنگستان ساعتها و روزها بحث و مجادله شد و هر رنگی به دلیل یا به دلایلی نامناسب اعلام گردید و فقط رنگ سبز يك رنگ جدی و پرازنده فرهنگستان شناخته شد.

اعضای فرهنگستان هر يك علاوه بر لباس مخصوص باید يك شمشیر هم داشته باشد که بر خلاف گذشته دیگر يك سلاح



منتسکیو

سران کشور و بزرگترین نویسندگان» و البته راست گفته است زیرا که، صرف نظر از چند مورد، فرهنگ و ادب فرانسوی در فرهنگستان خلاصه می شود. ذکر چند نام مانند کورنی، بوسونه، ارنست رنان، برگسن، پل والرئ، ولتر، منتسکیو، ویکتور هوگو، لامارتین، لافونتن، ژول رومن، مارسل پانیول، آندره موروا، فرانسوا موریاک، آنا تول فرانس، الکساندر دوما، شاتوبریان، اوژن یونسکو، ژان کوکتو، و راسین برای نشان دادن عظمت فرهنگستان و گسترش دامنه فرهنگی آن کفایت می کند.

اما نشان فرهنگستان در بعد از انقلاب و در دوران کنسولی ناپلئون وضع شد. تا آن هنگام اعضای فرهنگستان به دلیل برخورداری از زندگی اشرافی و نزدیکی به دربار، عموماً لباسهای پرزرق و برق و مشخص می پوشیدند و نیازی به نشان خاص احساس نمی کردند. اما از سال چهارم تا سال نهم انقلاب اعضای فرهنگستان چندین بار علاقه خود را به داشتن نشان مشخص مثل برگ شناسایی، مدال، نشان و لباس، اعلام داشتند، تا سرانجام



موریس دروتون (دبیر دائم کنونی فرهنگستان)

شمشیر بستگی به شخصیت صاحب آن یافت و در مجموع به صورت نماد قدرت و صلاحیت فرهنگستان برای پاسداری از حدود و حرمت زبان در آمد.

فرهنگستان در آستانه قرن بیستم

به نوشته موریس دروتون / Maurice Druon، دبیر دائم فعلی فرهنگستان، این نهاد امروز بیشتر از هر زمان دیگر تمامی خانواده‌های فرهنگی فرانسه، تمامی جریانهای فلسفی و سیاسی را از طریق کسانی که مظهر آن جریانها هستند، و نیز تمامی رشته‌های علوم و فنون قدیم و جدید را در خود فراهم آورده است... فرهنگستان همچنین همه اندیشه‌های متفاوت فرهنگ فرانسه را در خود گرد آورده و تداوم آن را تأمین و تضمین می‌کند. فرهنگستان اعضای خود را نه صرفاً به دلیل شهرت و عظمت ایشان بلکه همچنین با عنایت به وجدان آنان انتخاب می‌کند... و اکنون بیشتر از آنچه در بند گذشته باشد در اندیشه آینده است. آینده‌ای آکنده از تداوم ارزشهای والای تمدن بشری. فرهنگستان در آستانه هزاره سوم میلادی، تضمین این تداوم را رسالت آینده خود می‌شناسد.

* Je tiens à remercier vivement M. Maurice DRUON, Secrétaire perpétuel de l'Académie française, ainsi que le chef de son Cabinet, M. Laurent PERSONNE, qui ont eu l'obligeance de répondre à ma requête et d'avoir bien voulu m'envoyer les documents nécessaires à la rédaction de cet exposé.

A.R

خونریز و کشنده نیست بلکه جنبه نمادی و سنتی دارد و البته هر قسمت از شمشیر دارای مفهومی خاص است. فرهنگستان فرانسه از بدو تأسیس جزئی از دربار بود و به همین سبب اعضای آن همچون دیگر درباریان اجازه حمل شمشیر پیدا کردند. انقلاب کبیر فرانسه این امتیازها را ملغی کرد و به اعضای فرهنگستان اجازه داد تا به جای شمشیر يك خیزران مزین به تمثال مینروا (الهه خرد) حمل کنند. اما، پس از آن، نجبای فرانسه بار دیگر شمشیر به کمر بستند و فرهنگستانها از ایشان واپس نماندند. بویژه که در قرن نوزدهم توسعه قدرت دولت مفهومی تازه به شمشیر داد و آن را به صورت نشان کارکنان رسمی حکومت در آورد. از آن پس، علاوه بر افسران ارتش، سفیران و دبیران سفارت و کنسولها و فرمانداران و رؤسای پلیس و بازرسان مالی و حتی شاگردان برخی از مدارس شمشیر می بستند و دلیلی نداشت که اعضای فرهنگستان از شمشیر بستن منع شوند. اما به لحاظ روشنفکری و هنرمندی ناگزیر شدند معنای تازه‌ای برای شمشیر خود بیابند. اولاً انتخاب شکل شمشیر برای اعضای فرهنگستان، برخلاف افراد و گروههای دیگر آزاد شد و ثانیاً شکل و اندازه



هانری تروآیا (قدیمی ترین عضو زنده فرهنگستان)